

جلسه دوم: ایمان (۲)					
ایمان نقطه آغاز حرکت انسان					
آیات این جلسه			آیات ۱ تا ۴ سوره مبارکه انفال		
واژگان کلیدی		ویژگی‌های مؤمنین	اطاعت خدا و رسول	عمل صالح	توکل
آیه		اقامه‌ی نماز	انفاق	مغفرت الهی	روزی شرافت‌مندانه
<p>یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا دَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ﴿۱﴾</p> <p>از تو درباره‌ی انفال پرسش می‌کنند، بگو انفال، متعلق به خدا و رسول است. پس از خدا پروا کن و فی‌مابین خود را اصلاح نمایند و از خدا و رسولش اطاعت کنی؛ اگر شما مؤمنین.</p>		<p>۱. اگر مؤمن هستید، این سه کار را انجام بدهید: اولاً <b>تقوای</b> خدا پیشه کنید، ثانیاً <b>اختلافات</b> میان خود را به‌سود حقیقت از بین ببرید، برای مسائل جزئی به‌جان هم نبفتید. سوم اینکه به فرمان خدا و پیامبر راه بیفتید.</p> <p>۲. در منطق قرآن به به صرف اینکه قلب انسان به یک قطبی وابسته است، اما شعاع این وابستگی در عمل منعکس نیست به‌درد نمی‌خورد؛ بلکه اصلاً نام ایمان از نظر اسلام به او صدق نمی‌کند. آن وقتی ایمان به‌صورت راستین در کسی وجود دارد که بر طبق ایمان «عمل» کند.</p>			
<p>إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۲﴾</p> <p>متحصراً مؤمنان آن کسانی هستند که چون یاد خدا شود، دل‌هاشان به بیم می‌آید و چون آیات خدا برایشان فروخوانده شود ایمانشان افزون گردد و بر پروردگارشان توکل میکنند</p>		<p><b>پنج خصلت مؤمن راستین:</b></p> <p>۱. کسی که با شنیدن نام خدا دلش به بیم آید:</p> <p><b>ترسیدن از خدا</b> به‌معنی ترسیدن یک گناه کار در مقابل قاضی نیست. در ترسیدن گناه کار با نداشتن گناه، ترس، منتفی است. اما نوع دیگر ترس که ناشی از معرفت است، بر اثر توجه به یک چیز عظیم و یک حقیقت باشکوه روی می‌دهد و ناشی از احساس حقارت در مقابل اوست. کسی که در مقابل پروردگار، خود را کوچک و ناقص و حقیر میبیند، سعی میکند جز از آن خط سیر مستقیمی که خدای عالم برای او معین کرده، از راه دیگری سیر نکند و این بزرگ‌ترین ضامن اجرایی حرکت و تلاش است در یک انسان مسلمان و در یک جامعه‌ی مسلم.</p> <p>۲. وقتی آیات خدا بر او فروخوانده میشود ایمانشان افزون گردد:</p> <p>(الف) ایمان به‌صورت یک آب راکد در وجود مؤمن معنی ندارد. یک چنین ایمانی یک روزی هم از دست انسان به‌آسانی گرفته میشود. ایمان مستودع. ایمان عاریت. مؤمن راستین، کسی است که اگر یک کلمه از حقایق و معارف دینی و الهی در دل اوست، با اندیشه و تدبر و زیادتر کردن ایمان، این ایمان را از زایل شدن نجات دهد.</p> <p>(ب) از این آیه استفاده میکنیم و به آن کسانی که میگویند قرآن را – چون عقل ما به آن نمیرسد- نباید ترجمه و تفسیر نکنید میگوییم اگر ما قرآن را نمیتوانستیم بفهمیم، چگونه ایمان ما با خواندن قرآن زیاد میشود؟ پس پیداست قرآن کتاب رمز نیست. باید آن را خواند به‌قصد فهمیدن و فهمید به‌قصد نیرومندتر شدن ایمان.</p> <p>۳. بر پروردگارشان توکل میکنند:</p> <p>(الف) یعنی دست میگذارند و میگویند خدا خودش درست میکند؟ نه. معنای توکل این نیست. آن کسی که دست روی دست میگذارد، در مقابل تعهدها و تکلیفها و مسئولیتها، به‌جای اینکه نیروی خود را مسئول بداند، معجزه‌ی خدایی را مسئول فرض میکند. مثل بنی‌اسرائیل که میگفتند تو و پروردگارت بروید و مشغول جنگ بشوید و ما اینجا نشسته‌ایم (سوره مائده آیه ۲۴) توکل یعنی در همه حال اتکا و امیدت به خدا باشد.</p> <p>(ب) به نظر من دو بال نیرومند برای پرواز انسان در تلاش‌های زندگی، یکی صبر است و یکی توکل. هر امتی که این دو بال را داشته باشد، از تیررس دشمن‌های خاکی به‌کلی دور خواهد شد.</p> <p>۴. کسانی که نماز را اقامه میکنند:</p> <p>چند احتمال در تفاوت بین يُصَلُّونَ (نماز خواندن) و یقیمون الصلوة (نماز را به‌پاداشتن):</p> <p>(الف) <b>اقامه‌ی نماز</b> یعنی نماز را به‌صورت کامل، همه‌جانبه و تمام به‌جا آورد. اگر کسی نماز را با ارکان صحیح و با توجه به آموزش‌ها و الهام‌های نماز، به‌جا آورد، جداً فلاح و رستگاری در انتظار اوست.</p> <p>(ب) اقامه نماز یعنی در جامعه نماز را به‌پامیدارند، جامعه را نمازخوان میکنند. اگر کسی خوب نماز بخواند اما به دیگران کاری نداشته باشد، این عمل نشانه‌ی ایمان نیست.</p> <p>اقامه صلوة یعنی جامعه را نمازخوان کردن. نه به‌معنای اینکه فقط یک عبادت را همه انجام دهند. جامعه‌ی نمازخوان یعنی جامعه‌ای که دائماً به یاد خدا و در راه خداست. جامعه‌ای که جز خدا کسی را عبادت و عبودیت نمیکند و جز به خدا به هیچ کس دیگر اتکا و استعانت نمیجوید.</p> <p>۵. از آنچه به آنان روزی کرده‌ایم <b>انفاق</b> میکنند:</p> <p>انفاق یعنی چه؟ انفاق یعنی پر کردن خلأها و نیازها. آن خرج کردنی که خلأ و نیازی را پر نکند انفاق نیست. ... فقط هم در مورد مال نیست. از هر چه که خدا داده انفاق میکنند. پول، عمر، فرزند، آبرو، توان جسمی، زبان، فکر، از همه‌ی اینها در راه خدا و به‌جا خرج میکنند.</p> <p>بعد از این هر جا خواستید وقت صرف کنید، از آبرو و مایه بگذارید یا پول خرج بکنید، خوب فکر کنید ببینید دارید انفاق میکنید یا خرج بیهوده میکنید.</p>			
<p>أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۴﴾</p> <p>آنهايند مؤمنان به‌راستی؛ برای آنهاست رتبه‌هایی نزد پروردگارشان و مغفرتی و روزی تکریم‌آمیزی</p>		<p>۱. در مورد معنای مغفرت به جلسه روز گذشته مراجعه شود:</p> <p><b>مغفرت</b> یعنی التیام بر جراحتی که گناه در روح انسان به‌جامیگذارد.</p> <p>۲. درباره‌ی رزق کریم (روزی شرافت‌مندانه):</p> <p>یک جامعه آن وقتی عزیز و شرافتمندانه روزی میگیرد که مؤمن باشد و دارای این صفات. همه‌ی شعارهایی که امروز احزاب سیاسی دنیا دارند در گوشه و کنار شعارش را میدهند در جامعه‌ی ایمانی محقق خواهد شد.</p>			